

« واریاسیون »^۱

همچنانکه قبلاً نیز اشاره‌ای کردیم، یکتواختی در موسیقی تحمل ناپذیرتر است تا در هنرهای دیگر... موسیقی دانان ناگزیرند پیوسته فورمهای نوئی بیافرینند تا بیان اندیشه‌های خود را متنوع سازند و از این راه دقت و التفات شنوندگان را جلب و حفظ نمایند. همین احتیاج موجب توسعه فورمی شده است که سابقاً تحت عنوان «آهنگ با واریاسیونها» (Air avec variations) مشهور بود و عبارت است از نشان دادن یک تم بصورت گوناگون. حتی در قدیمی‌ترین آثار موسیقی سازی نمایی بدین تغییر و دگرگونی مشاهده می‌شود؛ اینگونه تغییرات از راه دگرگونه ساختن وزن و «ملودی» آهنگ خاصی صورت می‌گیرد. در آثار استادان قدیم ایتالیائی، در آثار کلاوسن آهنگسازان انگلیسی چون «بیرد» و «بل» و در آثار «کوپرن» و «رامو» چنین تمهیداتی بفرآوانی بکار رفته است. ولی این واریاسیونها، با همه ارزش و اهمیتی که از لحاظ تاریخی دارند، غالباً از نظر زیبایی و با اصطلاح «نفس شعری» (Souffle poétique) بحد کمال نمی‌رسند. واریاسیون‌های مزبور اغلب بیش از حد طولانی است (یکی از آثار هندل شامل ۶۲ واریاسیون است)؛ پرگوئی و تکرار مکررات در موسیقی همانقدر ناراحت

۱ - فصل هشتم از کتاب «هنر و زبان موسیقی» اثر «سپالدینگ»

این تم پر جلال که بوسیله اصوات بم «پدال» شنونده می شود مثل اینست که درد و شکنجه دنیائی را بردوش گرفته است... کسی که این تم را شنیده باشد احتمالاً خاطره ای فراموش نشدنی از عظمت سبک باخ بر صفحه ضمیرش نقش خواهد بست.

در دوره هایدن، از آنجا که زبردستی فنی آهنگسازان افزایش یافته بود، به واریاسیونهای واقعاً جالبی بر می خوریم از قبیل واریاسیونهای «کوآتوئور امپراتور» در دو بزرگ اثر خود هایدن که بر روی تم سرود ملی اتریش نوشته شده است. هر کدام از پنج واریاسیون اثر نامبرده شخصیت مستقل خود را حفظ کرده است.

اغلب واریاسیونهای موزار بر روی تمهای عامیانه و محلی استوار است و غالباً قطعات «ویرتوئوزیته» ایست که برای جلوه گر ساختن زبردستی نوازنده ساخته و پرداخته شده باشد. با اینحال در آثار او چندین نمونه واریاسیون که ارزش هنری مستقل بسیار دارند یافت میشود از قبیل واریاسیونهای «کننت باقره نی» و سونات در ر بزرگ.

نبوغ بتهوون برای نخستین بار آنچه را که می شد از فورم واریاسیون بیرون کشید، کشف کرد و جلوه گر ساخت. آثار او در این زمینه آنچنان اهمیتی دارد که موسیقی دانان خلاق چون «سزار فرانک» و «دندی» بر آنند که کلیه توسعه و تکامل موسیقی جدید از فوگهای باخ و واریاسیونهای بتهوون ریشه گرفته است. واریاسیون در صورتی که بنا بقواعد و سر مشقهای ثابتی ساخته شده باشد فورمی خسته کننده و تحمل ناپذیر می تواند بود ولی از آنجا که در این فورم اصولاً از هیچ نوع مقررات از پیش پرداخته ای پیروی نمیشود، وسیله بسیار پرمایه ایست برای بیان احساسات شاعرانه. کافیت که آهنگساز تم مشخص و جالبی خلق کند که قابلیت بسط و پرورش زیاد داشته باشد و آنرا تا آنجائی که موجب خستگی شنونده نگردد پیرو راند. یک سخنران ورزیده نیز از همین اصل تبعیت می کند: نخست تم و موضوع جالبی طرح می نماید و سپس آنرا بصورتی نو و بامثالهای متعدد نشان می دهد تا، از آن پس، نتیجه ای بگیرد.

مهمترین بدعت ها و تازگیهایی که بتهوون در زمینه واریاسیون راه

داد عبارتند از: آزادی مطلق تغییرات مایه، تا آنجائی که گاهی (وفی المثل در Op.34) هر کدام از واریاسیون‌ها در مایه‌ای متفاوت است؛ حذف خاتمه مشخص در پایان هر کدام از واریاسیون‌ها (بخش آهسته پنجمین سنفونی و سومین بخش تریو Op.96)؛ و بالاخره طرح واریاسیون‌ها بر روی يك تم دوتائی (بخش نهائی سنفونی سوم) که مورد تقلید آهنگسازان پس از او قرار گرفت. ولسی مهمترین بدعت بتهوون در این زمینه این بود که واریاسیون در نظر او تغییرات خشك و «مکانیکی» يك تم نبود بلکه وسیله‌ای برای برانگیختن قدرت تخیل بود. واریاسیون‌های بتهوون را با اعضای خانواده و فرزندان مادر واحدی تشبیه می‌توان کرد که باهمه شباهتی که با یکدیگر دارند هر کدام دارای شخصیت فردی مستقلی هستند. علاقه بتهوون باین فورم و استادی وی در این زمینه مخصوصاً در آخرین سونات‌ها و کواتور-های زهی او مشهود است.

اغلب آهنگسازان مهم پس از بتهوون يك یا چند اثر بفورم واریاسیون از خود بیادگار گذارده‌اند که در اینجا مهمترین آنها اشاره‌ای خواهیم کرد و سپس بآهنگسازان نسبه جدیدتر که در این زمینه آثار بی‌شمار آورده‌اند خواهیم پرداخت. واریاسیون‌های شوپرت در کواتور زهی در ر کوچک، بر روی لید «مرک و دختر» مسلماً قابل دقت و مطالعه است؛ همچنین است «واریاسیون‌های جدی» (Op.54) اثر مندلسون برای پیانو. شومن نیز این فورم را با استادی نادری بکار برده است. «اتوهای سنفونیک» (Op.13) او از لحاظ غنا و «فانتزی» و تازگی ساختمان آن با هیچ اثر دیگری قابل مقایسه نیست. واریاسیون‌های برای دو پیانو (Op.46) او نیز قابل ذکر است. براهمس هم واریاسیون‌های زیادی نوشته که از نظر قدرت هیجان و سبک آزاد و در عین حال منطقی و همچنین استحکام ساختمانی قابل توجه است؛ از آن‌میان مخصوصاً واریاسیون‌های بر روی يك تم هندل برای پیانو (Op.24) و رشته واریاسیون‌ها برای ارکستر (Op.56a) و «واریاسیون‌های بر روی تم سنت آنتوان هایدن» و دو رشته واریاسیون‌های بر روی تم‌های پاگانینی (Op.35) را اسم باید برد. آثار اخیر الذکر از جمله درخشانترین آثار پیانو شمرده می‌شود.

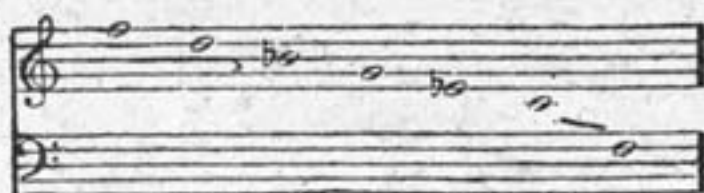
از میان واریاسیون‌های نسبه جدیدتر پنج اثر بخصوص باید مورد توجه

هنرجویان موسیقی و موسیقی دانان قرار گیرد. برای درک این پنج اثر باید آنها را بکرات شنید. نخستین قطعه از آثار مزبور واریاسیونهایست که در تریو درلا کوچک با پیانو اثر چایکوفسکی (Op.50) قرار دارد. استقلال گردش مایه‌ها و تغییر تم از صورت والس به مازورکا از نکاتی است که در این اثر بخصوص باید طرف توجه باشد. ۲ - « واریاسیون‌های سنفونیک » برای پیانو و ارکستر اثر سزار فرانک، که بر روی دو تم متضاد - یکی در مایه کوچک و دیگری با « مودولاسیون » هائی در مایه بزرگ - استوار است در این اثر واریاسیون‌ها شماره گذاری نشده‌اند و در فاصله میان آنها توقف مشخصی وجود ندارد. از خلال این اثر، قدرت مایه گردی و غنای « آرمونی » فرانک بخوبی نمودار است. ۳ - واریاسیون‌های « ایستار » (Istar) برای ارکستر از ونسان دندی یکی از بدیع‌ترین آثار در نوع خود بشمار می‌آید. در این اثر ترتیب معمولی واریاسیون‌ها در جهت معکوس منظور شده بدین معنی که در آغاز قطعه، واریاسیون‌های پیچیده نمایانده شده و بتدریج ساده‌تر و بی‌پیرایه‌تر می‌گردد تا جائی که، در پایان قطعه، تم اصلی عاری از هر گونه زینت و آرایش، نمایش داده می‌شود. ۴ - منظومه سنفونیک « دون کیشوت » از ریشار شتراوس یک سلسله کامل واریاسیون بر روی سه تم است که هر کدام معرف یکی از اشخاص داستان دون کیشوت اثر « سروانتس » می‌باشد (اسپ سوار، « سانکو پانچا » میراخور او، و « دولچینه »). در این اثر واریاسیون‌ها، علاوه بر دگرگونی‌های تم از نظر فورم، شامل توصیف مشخصات قهرمانان داستان و برخی از حوادث عجیبی است که با آنها روبرو می‌شوند. ۵ - « واریاسیون‌های معمائی » اثر « الگار ». این اثر بدان علت « معمائی » نام دارد که تم اصلی نشان داده نمی‌شود. این اثر یکی از افتخارات پایدار سازنده آن محسوب می‌گردد.

اکنون به تجزیه دورشته واریاسیون مشهور از آثار بتهوون می‌پردازیم که یکی نخستین بخش سونات Op.26 و دیگری شش واریاسیون روی یک تم اصلی Op.34 است. سونات مورد بحث از آثار جوانی بتهوون است، واریاسیون‌ها بصورت مشخصی تقطیع و از هم جدا شده‌اند و یک تغییر مایه بیش در بر ندارند؛ ولی با اینحال از خلال آن اگر بتهوون نسبت به مقررات

و قواعد از پیش پرداخته بارز است. تم آن ملودی شیرین و مهبجی است متشکل از ۱۶ میزان و برای واریاسیون بسیار متناسب است زیرا از همان آغاز کار توجه شنونده را جلب می نماید. واریاسیون اول حالت خیال پردازی سحر آمیزی دارد؛ گوئی، در طی آن، آهنگساز درباره توانگری و غنای نهانی تم اصلی می اندیشد. در واریاسیون دوم، تم اصلی که بوسیله قسمت بم بیان می گردد به یک «سولو»ی ویولونسل شباهت می یابد. (تشدیدهای خاصی که بر روی ضربهای ضعیف، در میزانهای ۱۸، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ قرار گرفته شایان توجه است). در واریاسیون سوم حالت و محیط آن یکباره دگر گونه می شود: تم اصلی در مایه می بمول کوچک خودنمایی می کند و لحن نوحه و مرثیه بخود می گیرد و حالت بشاش و مسرت انگیز خود را از دست می دهد. این قسمت سرشار از ترکیبات «دیسونان» پرشوری است که، این بار، بوسیله علامت sf تشدید یافته اند. ضربهای یکنواخت قسمت «باس»، در جمله دوم، احساس رقت انگیز «تراژیک» شدیدی پدید می آورد. واریاسیون چهارم نوعی «سکرزور»ی کوچک است که حاوی حالت خاص سکرزورهای بتهوون است. پنجمین و آخرین واریاسیون شامل «فانتزی» های زیبا و متعددیست که قدرت تخیل آهنگساز پرداخته است. این واریاسیون بوسیله «کودا»ی آرامی بسر می رسد که از تم اصلی مایه گرفته است.

واریاسیونهای در فا بزرگ Op.34 شامل نمونه های خوبیست از علاقه خاص بتهوون به «مودولاسیون» به درجه سوم. کلیه واریاسیونها، در اثر اخیرالذکر، در مایه های مختلف ساخته شده اند و درجه اول هر کدام از آنها بفاصله یک سوم تختانی واریاسیون قبلی قرار گرفته است. ترتیب مایه ها عبارتست از فا، ر، سی بمول، سول، می بمول، دو کوچک و سپس برگشت به مایه اصلی فا.



واریاسیون نخستین، تم اصلی را با زینت های فراوان و پیچیده ای نشان

می دهد:

تم اصلی :



نخستین واریاسیون :



این واریاسیون که بسبب « آراسته » (Orné) قدیمی نوشته شده است، جز از نظر جنبه فنی نوازندگی پیانو اهمیت چندانی ندارد. واریاسیون دوم در عین حال یک تغییر مایه به همراه می آورد و لحن صدای آدمی یا « ترومبون » های ملایمی دارد. واریاسیون سوم تغییر مایه و تغییر وزن جدیدی در بر دارد و بنا به عادت بشهوون تم اصلی را با ظرافت خاصی طرح می نماید. در واریاسیون چهارم تم اصلی بصورت منوئه لطیفی درآمده است. مارش عزا که از آن پس شنیده می شود حالت متضاد موثری دارد؛ در این واریاسیون مایه کوچک برای نخستین بار بکار رفته است. آخرین واریاسیون که در مایه نخستین است بطرز درخشانی حالات مختلف تم را خلاصه می کند.